

درماندگی مالی و تأخیر گزارش حسابداری

نظام الدین رحیمیان

استادیار حسابداری موسسه آموزش عالی خاتم

اسماعیل توکل نیا*

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه مازندران

محمود قربانی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

تأثیر تأخیر گزارش حسابداری بر تصمیمات سرمایه گذاران، موجب انجام پژوهش هایی متعدد بمنظور بررسی عوامل موثر بر تأخیر گزارش حسابداری شده است. اکثر مطالعات بر بازارهای کشورهای توسعه یافته متمرکز هستند. ارزش اطلاعات صورت های مالی حسابداری شده، به تناسب روزهایی که ارائه گزارش حسابداری به تأخیر می افتد، کاهش می یابد، زیرا استفاده کنندگان از منابعی متفاوت، اطلاعات را جستجو می کنند. علاوه بر این، تأخیر گزارش حسابداری بطور معکوس بر سرعت گزارشگری مالی تأثیر می گذارد. هدف اصلی این مطالعه، بررسی تأثیر درماندگی مالی بر تأخیر گزارش حسابداری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. فرض بر این است که شرکت هایی که وضعیت مالی ضعیف تری دارند، حسابرس را در معرض خطر حسابداری بیشتری قرار می دهند و بنابراین، تأخیر گزارش حسابداری افزایش می یابد. داده های مورد استفاده، مشتمل بر ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ است و برای آزمون فرضیه ها از رگرسیون خطی استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر عدم تأثیر درماندگی مالی بر تأخیر گزارش حسابداری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است.

واژگان کلیدی: درماندگی مالی، تأخیر گزارش حسابداری، بورس اوراق بهادار تهران.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۹/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۴/۱۲

۱- مقدمه

صورت های مالی حسابرسی شده به عنوان یکی از منابع قابل اعتماد اطلاعات برای استفاده کنندگان محسوب می شوند. اما این اطلاعات زمانی می تواند توسط استفاده کنندگان مورد استفاده قرار بگیرد که دارای مجموعه ای از ویژگی های کیفی باشد. یکی از این ویژگی ها، عدم تأخیر در اطلاعات یا به عبارتی بهنگام بودن آنها است. بهنگام بودن یکی از ویژگی های مربوط بودن اطلاعات است و به این معناست که اطلاعات مالی زمانی در اختیار استفاده کنندگان قرار گیرند که فرصت تصمیم گیری، قضاوت و اقدام بهنگام نسبت به موضوع مورد نظر برای آنان وجود داشته باشد. برای نمونه، شرکت هایی که سود خود را با تأخیر اعلام می کنند، نسبت به شرکت هایی که سودشان را زودتر اعلام می نمایند، به احتمال بیشتری بازده سهام کمتری خواهند داشت (گیولی و پالمون^۱، ۱۹۸۲؛ کراس و چرودر^۲، ۱۹۸۴). درباره تأخیر گزارش حسابرسی پژوهش های متعددی انجام شده است. برای نمونه، در یونان، لونتیس^۳ و همکاران (۲۰۰۵) پس از بررسی های خود یافتند که بین پایان سال مالی و تاریخ گزارش حسابرسی فاصله زیادی وجود دارد، به شکلی که کمترین زمان ۳۰ روز بوده است و بیشترین زمان، ۱۵۸ روز. بطور کلی میانگین تأخیر حسابرسی در اسپانیا ۸۵ روز (بونسون-پونت^۴ و همکاران، ۲۰۰۸)، در یونان ۹۸ روز (لونتیس و همکاران، ۲۰۰۵)، ۱۰۹ روز در هونگ کونگ (نجی و تای^۵، ۱۹۹۴) و در کویت ۶۲ روز در سال ۲۰۰۷ (القائم و هگازی^۶، ۲۰۱۱)، می باشد.

طی بحران های اقتصادی اخیر که از سال ۲۰۰۸ بوقوع پیوسته اند، واحدهای تجاری بیشماری با درماندگی مالی رو به رو شدند و بسیاری از آنان دچار ورشکستگی گشتند. از مهم ترین اطلاعاتی که می تواند در تصمیم گیری اقتصادی و تخصیص بهینه منابع به تصمیم گیرندگان اقتصادی کمک کند، شناسایی علایم درماندگی مالی در شرکت ها است. درماندگی مالی را می توان اینگونه تعریف کرد: شرایطی که در آن شرکت قادر به پرداخت تعهدات خود نباشد یا آنها را به سختی پرداخت کند (وو^۷ و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۲۰۶). معمولاً زمانی که احتمال شکست واحد تجاری افزایش یابد، احتمال اینکه حسابرسان مستقل تحت تعقیب قانونی قرار گیرند، افزایش می یابد. لذا در چنین شرایطی ممکن است حسابرس ملزم شود تا حسابرسی بیشتری را انجام داده و با جمع آوری مدارک و مستندات بیشتر، علیه هرگونه دادخواهی حقوقی احتمالی آتی، توان مقابله و دفاع از اظهارنظر خود را داشته باشد و بنابراین، کار حسابرسی با تأخیر بیشتری به پایان خواهد رسید (سیمنت^۸ و همکاران، ۱۹۹۵).

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی تأثیر درماندگی مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر تأخیر گزارش حسابرسی آنها است. دو شاخص مهم در این پژوهش بررسی می شوند که شاید نماینده دو دیدگاه باشند. نخست اینکه آیا حسابرسان با توجه به

وضعیت مالی شرکت‌ها رسیدگی بیشتری اعمال می‌نمایند یا خیر و دوم اینکه آیا مدت زمان تأخیر گزارش حسابرسی شرکت در سال جاری متأثر از مدت زمان تأخیر گزارش حسابرسی آن در سال قبل است یا خیر که اگر اینچنین باشد می‌توان گفت که تا حدود زیادی شرکت‌ها تعیین‌کننده اصلی زمان گزارش حسابرسی هستند. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر سعی شده است، با استفاده از روش‌های آماری دقیق و کنترل متغیرهای تأثیرگذار، نتایجی معنادار استنتاج گردد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- درماندگی مالی

در فرهنگ لغات آکسفورد، واژه Distress به معنی درد، اندوه، فقدان منابع پولی و تنگدستی آورده شده است. در ادبیات مالی نیز تعاریف مختلفی از درماندگی مالی ارائه گردیده است. گردون^۹ (۱۹۷۱) در نخستین مطالعات دانشگاهی روی نظریه درماندگی مالی، آن را به عنوان کاهش قدرت سودآوری شرکت تعریف می‌کند که احتمال عدم توانایی بازپرداخت بهره و اصل بدهی را افزایش می‌دهد. ویتاکر^{۱۰} (۱۹۹۹) درماندگی مالی را وضعیتی در نظر می‌گیرد که در آن جریان‌های نقدی شرکت از مجموع هزینه‌های بهره مربوط به بدهی بلند مدت، کمتر است. نخستین پژوهشی که مدلی برای پیش‌بینی ورشکستگی ارائه داد، توسط بیور^{۱۱} (۱۹۶۶) انجام شد. او قدرت پیش‌بینی چهارده نسبت مالی را با بررسی ۱۵۸ شرکت مورد بررسی قرار داد و نهایتاً به این نتیجه رسید که نسبت "جریان وجه نقد به کل بدهی‌ها"، بیشترین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی را در بین نسبت‌های مورد بررسی دارد. پس از بیور، آلتمن^{۱۲} (۱۹۶۸) برای نخستین بار اثر نسبت‌های مختلف مالی را برای پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها بررسی نمود. او تابع Z-Score را که از پنج نسبت مالی تشکیل شده بود، ارائه کرد. دقت مدل آلتمن برای طبقه‌بندی شرکت‌ها به ورشکسته و غیرورشکسته، در یک سال پیش از ورشکستگی بین ۹۴٪ تا ۹۷٪ بوده است. پس از آن مطالعات زیادی راجع به ورشکستگی و درماندگی مالی، از Z-Score آلتمن استفاده نمودند (برای نمونه، کاتز^{۱۳} و همکاران، ۱۹۸۵؛ هوفر^{۱۴} و همکاران، ۲۰۰۵؛ ایواشینا^{۱۵} و همکاران، ۲۰۰۸). مک‌کی - ماسون^{۱۶} (۱۹۹۰) نیز مدل آلتمن را استفاده نمود، با این تفاوت که معادله اصلی را با خارج کردن یک متغیر، تعدیل کرد. پس از انجام این تعدیل توسط مک‌کی - ماسون (۱۹۹۰)، پژوهشگران زیادی از Z-Score تعدیل شده استفاده نمودند (برای نمونه، گراهام^{۱۷} و همکاران، ۱۹۹۸؛ گونر^{۱۸} و همکاران، ۲۰۰۸). این مدل و فرآیند تعدیل آن در قسمت متغیرهای پژوهش، توضیح داده شده است.

۲-۲- تأخیر گزارش حسابرسی

تأثیر تأخیر حسابرسی بر تصمیمات سرمایه گذاران، موجب انجام پژوهش‌هایی متعدد بمنظور بررسی عوامل موثر بر تأخیر حسابرسی شده است. لوری و پاستینا^{۱۹} (۱۹۷۵) اینچنین توضیح دادند که فرضیه گزارش داخلی^{۲۰} حاکی از آن است که مدیران نگران ارزیابی عملکرد داخلی هستند که پاداش آنان و نهایتاً ابقای آنان در جایگاه فعلی را تعیین می‌کند. بر این اساس، اخبار بد با تأخیر منتشر می‌شود.

کورتیس^{۲۱} (۱۹۷۶) دریافت، شرکت‌هایی که تأخیر حسابرسی کمتری دارند، اغلب درآمد بیشتری را گزارش می‌نمایند. او همچنین به این نتیجه رسید که شرکت‌های مالی در مقایسه با شرکت‌های غیرمالی، تأخیر حسابرسی کمتری دارند. جیلینگ^{۲۲} (۱۹۷۷) ارتباطی معکوس بین تأخیر حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی یافت. دیویس و ویترد^{۲۳} (۱۹۸۰) یافتند شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها ۳۰ جون است و شرکت‌هایی که گزارش حسابرسی تعدیل شده دریافت می‌نمایند، تأخیر حسابرسی بیشتری دارند. گارسومیک^{۲۴} (۱۹۸۱) نیز با بررسی شرکت‌های ایالات متحده به این نتیجه رسید که شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها از جانویه تا مارچ است، تأخیر حسابرسی بیشتری دارند. همچنین نتایج پژوهش گیولی و پالمون (۱۹۸۲) نشان داد که تنها نسبت موجودی کالا به دارایی‌ها بر تأخیر حسابرسی در سال ۱۹۷۳، تأثیر عمده داشته است. آنان معتقدند که در صورت بد بودن اخبار، به تعویق انداختن واکنش‌های سهامداران، خواست طبیعی مدیران است و مدیران به دنبال ادامه و تکمیل قراردادهای و مذاکرات جاری، در بهترین شرایط ممکن هستند. کراس^{۲۵} (۱۹۸۲) اظهار داشت شرکتی که از لحاظ مالی ناسالم است، ممکن است اعلام خبرهای بد را به تأخیر بباندازد، زیرا حسابداران آن در حال رفع خطرات هستند و زمان کمی برای انطباق با الزامات حسابداری پایان دوره، باقی می‌ماند. در ایالات متحده، اشتون^{۲۶} و همکاران (۱۹۸۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که پنج متغیر درآمد، کیفیت کنترل‌های داخلی، پیچیدگی عملیات، ارتباط کار حسابرسی انجام شده طی سال مالی و پایان سال مالی و بخش خصوصی یا عمومی بودن بر تأخیر حسابرسی موثر هستند.

در مطالعه ای دیگر، اشتون و همکاران (۱۹۸۹) به اثبات رساندند که چهار متغیر صنعت واحد مورد رسیدگی، نوع اظهار نظر حسابرس، گزارش اقلام غیر مترقبه و علامت سود یا زیان خالص در پایان سال، حداقل در چهار سال از شش سال تحت بررسی، بر تأخیر حسابرسی موثر بوده‌اند. متغیرهای صنعت واحد مورد رسیدگی و وجود اقلام غیر مترقبه، در هر شش سال مورد بررسی، تأثیری عمده بر تأخیر حسابرسی داشته‌اند. سه متغیر دیگر (کل دارایی‌ها، ماه پایان سال مالی و کیفیت حسابرسی) در سه یا کمتر از سه سال از شش سال تحت بررسی بر تأخیر حسابرسی، موثر بوده‌اند. اما ارتباطی معنادار بین تغییر سود هر سهم و تأخیر

حسابرسی نیافتند. کاشینگ^{۲۷} (۱۹۸۹) نیز در پژوهشی ارتباط بین فناوری حسابرسی و تأخیر حسابرسی را مورد بررسی قرار داد. یافته های وی نشان داد که موسسات حسابرسی با روش های حسابرسی ساختار یافته در مقایسه با موسساتی دارای عملیات حسابرسی طولانی تری هستند که از روش های کمتر ساختار یافته استفاده می نمایند.

علاوه بر این، کارسلاو و کیلان^{۲۸} (۱۹۹۱)، در کشور زلاند نو، با استفاده از هفت متغیر از مدل بکارگرفته شده توسط اشتون و همکاران (۱۹۸۹)، به همراه مالکیت شرکت و نسبت بدهی، نشان دادند که طی دو سال مورد مطالعه، تنها اندازه شرکت و سود و زیان آن، بر تأخیر حسابرسی موثر بوده اند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که چهار متغیر دیگر مورد مطالعه (نسبت بدهی، مالکیت شرکت، ارقام غیر مترقبه و طبقه بندی صنعت)، تنها در یک سال بر متغیر وابسته موثر بوده اند. در هونگ کونگ، نجی و تای (۱۹۹۴) به بررسی ارتباط بین ۱۰ متغیر و تأخیر حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که دو متغیر اندازه شرکت و میزان تنوع سرمایه گذاری تأثیری عمده بر تأخیر حسابرسی دارند. سیمنت و همکاران (۱۹۹۵) با بررسی این موضوع در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار استرالیا دریافتند که سه متغیر سود، اظهار نظر حسابرسی و زمان پایان سال مالی، حداقل در سه سال از شش سال تحت بررسی بر تأخیر حسابرسی موثر بوده اند.

حوسین و تیلور^{۲۹} (۱۹۹۸) نیز با بررسی ارتباط تأخیر حسابرسی و هفت متغیر توصیفی در شرکت های غیرمالی بورس اوراق بهادار کراچی، به این نتیجه رسیدند که تنها متغیر تابعه شرکت های چند ملیتی بودن، تأثیر قابل ملاحظه و معکوس بر تأخیر حسابرسی دارد. جگی و تسوی^{۳۰} (۱۹۹۹) با بررسی ارتباط تأخیر حسابرسی با ریسک تجاری حسابرس و فناوری موسسه حسابرسی در شرکت های هونگ کونگی، ارتباطی مستقیم بین تأخیر حسابرسی و شاخص ریسک مالی یافتند. همچنین اینچنین استدلال شد که شرکتهایی که تحت تملک خانوادگی هستند یا بصورت خانوادگی کنترل می شوند، تأخیر حسابرسی کمتری دارند و شرکت های تحت حسابرسی موسساتی که از روش های ساختاریافته حسابرسی استفاده می کنند، تأخیر حسابرسی طولانی تری دارند.

نتایج پژوهش ایمام^{۳۱} و همکاران (۲۰۰۱) در بورس اوراق بهادار بنگلادش نشان داد که موسسات حسابرسی مرتبط با موسسات حسابرسی بین المللی تأخیر حسابرسی بیشتری دارند. احمد و کمرو دین^{۳۲} (۲۰۰۳) به شناسایی عوامل تعیین کننده تأخیر حسابرسی در مالزی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که شش متغیر صنعت غیر مالی، دریافت اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده، پایان سال مالی غیر از ۳۱ دسامبر، حسابرسی شده توسط پنج موسسه حسابرسی بزرگ، درآمد منفی و داشتن ریسک بالا، با تأخیر بیشتر حسابرسی مرتبط بوده اند. همچنین، لونتیس و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که متغیرهای زیر همگی بطور قابل ملاحظه ای

بر تأخیر حسابرسی موثر بوده اند: نوع حسابرِس، حق الزحمه حسابرسی، شمار بندهای شرط در گزارش حسابرسی، وجود اقلام غیرمترقبه در صورت سود و زیان و بیان ابهام در گزارش حسابرسی.

بونسون - پونت و همکاران (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که طی دوره مورد مطالعه، از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵، فشارهای قانونی و اندازه شرکت، بر زمان گزارش حسابرسی تأثیرگذار هستند. همچنین، العجمی^{۳۳} (۲۰۰۸) در بورس اوراق بهادار بحرین، طی دوره زمانی ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۶، تأثیر هفت متغیر را بر تأخیر حسابرسی مورد بررسی قرار داد. او به این نتیجه رسید که اندازه شرکت، سودآوری و اهرم مالی تأثیری عمده بر تأخیر حسابرسی دارند. نتایج پژوهش القانم و هگازی (۲۰۱۱) در بورس اوراق بهادار کویت نشان داد که نقد شوندگی، اهرم و نوع حسابرِس بطور معکوس بر تأخیر حسابرسی موثر هستند. در ادامه به برخی از پژوهش‌های داخلی اشاره شده است.

برزیده و معیری (۱۳۸۵) با بررسی تأخیر گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، یافتند که تأخیر گزارش حسابرسی، بطور با اهمیتی برای شرکتهای دارای پایان سال مالی منتهی به ۲۹ اسفندماه، بیشتر بوده است اندازه شرکت، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام، نسبت سود خالص به مجموع دارایی‌ها و اندازه موسسه حسابرسی بر تأخیر گزارش حسابرسی موثر نیستند. بدری و علیخانی (۱۳۸۵) نیز همین موضوع را مورد بررسی قرار دادند و ضمن تأکید بر زیاد بودن تأخیر گزارش حسابرسی در ایران، با بررسی‌های خود توانستند ۵۴ درصد متغیرهای پیش بین را شناسایی نمایند.

نتایج پژوهش صادقی حسن آبادی (۱۳۸۸) نشان داد که نوع گزارش حسابرسی، طی همه سال‌های مورد بررسی، به شکلی معنادار بر تاریخ گزارش حسابرِس موثر بوده است. متغیر سهامدار عمده و هر دو متغیر بدهی‌های احتمالی و تغییر حسابرِس، به ترتیب طی سه سال و یک سال از دوره مورد بررسی بر تاریخ گزارش حسابرِس تأثیری معنادار داشته‌اند و اقلام غیر مترقبه رابطه معناداری را با تاریخ گزارش حسابرسی نشان ندادند.

فرضیه‌ها

درماندگی مالی: شرکت‌هایی که وضعیت مالی ضعیف‌تری دارند، حسابرِس را در معرض خطر حسابرسی بیشتری قرار می‌دهند و بنابراین، تأخیر گزارش حسابرسی افزایش می‌یابد (حبیب و بویان^{۳۴}، ۲۰۱۱). ویترو و زیمر^{۳۵} (۱۹۸۴) با بررسی شرکت‌های استرالیایی، نتیجه گرفتند که انتشار صورتهای مالی شرکت‌هایی که با درماندگی مالی مواجه نیستند، نسبت به شرکت‌هایی که دچار درماندگی مالی هستند، مدت زمان کمتری به طول می‌انجامد. کراس (۱۹۸۲) و جگی و تسوی (۱۹۹۹) نیز درماندگی مالی یا وضعیت‌های مالی را یکی از علل

تاخیر حسابرسی دانسته اند. سیمنت و همکاران (۱۹۹۵) استدلال نمودند زمانی که احتمال شکست واحد تجاری افزایش یابد، احتمال اینکه حسابرسان مستقل تحت تعقیب قانونی قرار گیرند، افزایش می یابد. لذا در چنین شرایطی ممکن است حسابرس ملزم شود تا حسابرسی بیشتری را انجام داده و با جمع آوری مدارک و مستندات بیشتر، علیه هرگونه دادخواهی حقوقی احتمالی آتی، توان مقابله و دفاع از اظهارنظر خود را داشته باشد و بنابراین، کار حسابرسی با تأخیر بیشتری به پایان خواهد رسید. همچنین، از آنجا که پترسون^{۳۶} (۱۹۹۴) همبستگی بالایی بین ریسک شرکت و درجه درماندگی مالی یافت و احمد و کمروالدین (۲۰۰۳) از تأثیر ریسک بر تأخیر گزارش حسابرسی خبر دادند، می توان ارتباط درماندگی مالی و تأخیر گزارش حسابرسی را استنتاج نمود. علاوه بر موارد مذکور، ویوک و میونگسو^{۳۷} (۲۰۱۱) نیز با بررسی ادبیات پیشین، از تأثیر درماندگی مالی بر تأخیر گزارش حسابرسی خبر دادند. به این ترتیب، فرضیه اصلی پژوهش تبیین می گردد.

فرضیه نخست: درماندگی مالی بر تأخیر گزارش حسابرسی موثر است.

کیفیت حسابرسی: ادبیات پیشین (برای نمونه؛ جیلینگ، ۱۹۷۷؛ دیویس و ویترد، ۱۹۸۰؛ اشتون و همکاران، ۱۹۸۷؛ اشتون و همکاران، ۱۹۸۹؛ القانم و هگازی، ۲۰۱۱) استدلال نمودند که تأخیر حسابرسی موسسه های حسابرسی بزرگتر، از سایر موسسات حسابرسی متمایز است. هنوک^{۳۸} (۲۰۰۵) نشان داد که موسسات حسابرسی بزرگتر، خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتری را ارائه می دهند، زیرا آنها علاقمندند که شهرت بیشتری در بازار کار به دست آورند و از آنجایی که تعداد صاحبکاران آن ها زیاد است، نگران از دست دادن آن ها نیستند. بطور خلاصه، بسیاری از پژوهش های پیشین، نشان داده اند، که کیفیت حسابرسی با اندازه موسسات حسابرسی ارتباط دارد. بنابراین از این نتایج و استدلال ها بمنظور تبیین دومین فرض پژوهش استفاده می شود.

فرضیه دوم: کیفیت حسابرسی بر تأخیر گزارش حسابرسی موثر است.

خبرهای خوب و بد: بسیاری از پژوهش های پیشین یافتند، شرکت هایی که دارای اخبار خوبی هستند، نسبت به شرکت هایی که اخبار بدی دارند، اطلاعات خود را زودتر ارائه می نمایند (کورتیس، ۱۹۷۶؛ گیولی و پالمون، ۱۹۸۲؛ کارسلاو و کپلان، ۱۹۹۱؛ نجی و تای، ۱۹۹۴؛ سیمنت و همکاران، ۱۹۹۵؛ العجمی، ۲۰۰۸). به اعتقاد واتر و زیمرمن^{۳۹} (۱۹۹۰)، نظریه ذینفعان نشان می دهد که در غیاب فرصت برای پنهان سازی خبرهای بد، به دلیل الزامات افشای اجباری، مدیریت برای به تأخیر انداختن انتشار آن، مشتاق است. در نتیجه، مدیریت به سرمایه گذاران "علامتی خاموش" می دهد و به آنان فرصت می دهد که اوراق بهادار شرکت را پیش از رسیدن اخبار بد به بازار، واگذار نمایند.

همچنین، ممکن است مدیریت، از طریق شروع حسابرسی در تاریخی دیرتر از زمان معمول یا پاسخگویی کند و آهسته به سوالات حسابرس راجع به تعدیلات حسابداری، به دنبال ایجاد تأخیر در گزارش حسابرسی حاوی اخبار بد باشد، علی‌الخصوص در زمانی که حسابرسان بر این باورند که زیان‌ها، نشانگر شکست مالی یا تقلب مدیریت هستند (القائم و هگازی، ۲۰۱۱). هاو^{۴۰} (۲۰۰۰) اظهار نمود که اخبار خوب، بسیار سریع منتشر خواهد شد، زیرا تحت بررسی و موشکافی کمتری قرار می‌گیرد. او همچنین اظهار داشت که تأخیر در اخبار بد و انتشار سریع تر اخبار خوب را می‌توان تحت نظریه ذینفعان و فرضیه گزارش داخلی تبیین نمود.

فرضیه سوم: خبرهای خوب و بد بر تأخیر گزارش حسابرسی موثر هستند. اهرم مالی: اهرم مالی می‌تواند نشانی از توانایی شرکت برای ادای تعهدات در سررسید باشد. پژوهش‌های پیشین ارتباطی مستقیم بین اهرم مالی و تأخیر حسابرسی یافته‌اند (کارسلو و کپلان، ۱۹۹۱؛ اوسو-انساها^{۴۱}، ۲۰۰۰؛ کاناور^{۴۲} و همکاران، ۲۰۰۸؛ العجمی، ۲۰۰۸). این ارتباط را می‌توان اینطور توجیه نمود که از نظر زمانی، معمولاً حسابرسی بدهی‌ها وقت‌گیرتر از حسابرسی سرمایه است، بویژه اگر تعداد بستانکاران زیاد باشد (کارسلو و کپلان، ۱۹۹۱؛ برزیده و معیری، ۱۳۸۵).

فرضیه چهارم: اهرم مالی بر تأخیر گزارش حسابرسی تأثیرگذار است. اندازه شرکت: پژوهش‌های فراوانی ارتباطی معکوس بین اندازه شرکت و تأخیر حسابرسی یافته‌اند (کورتیس، ۱۹۷۶؛ جیلینگ، ۱۹۷۷؛ دیویس و ویتارد، ۱۹۸۰؛ گارسومبک، ۱۹۸۱؛ اشتون و همکاران، ۱۹۸۷؛ اشتون و همکاران، ۱۹۸۹؛ کارسلو و کپلان، ۱۹۹۱؛ نجی و تای، ۱۹۹۴؛ جگی و تسوی، ۱۹۹۹؛ العجمی، ۲۰۰۸). علت این ارتباط معکوس را می‌توان اینچنین استدلال نمود که شرکت‌های بزرگ سیستم‌های کنترل داخلی قوی داشته و از کارمندان باتجربه‌تر و حرفه‌ای‌تری برخوردارند که در نتیجه حسابرسان بیشتر می‌توانند بر کارهای آنان اعتماد نمایند. از سوی دیگر ممکن است شرکت‌های بزرگ، برای انتشار هرچه سریعتر صورت‌های مالی تحت فشار باشند که این امر نیز منجر به تلاش آنها برای انجام سریعتر حسابرسی می‌شود.

فرضیه پنجم: اندازه شرکت بر تأخیر گزارش حسابرسی موثر است. اظهار نظر حسابرس: شاید در مواردی که حسابرس قصد اعلام نمودن اظهار نظر تعدیل شده دارد، مدیریت تلاش کند تا حد ممکن از بندهای گزارش خود بکاهد یا در صورت امکان با حذف آنها اظهار نظر مقبول دریافت کند. این تلاش او ممکن است بعضاً موجب بروز درگیری بین او و حسابرس شود و این امر باعث می‌گردد سرعت حسابرسی کاهش یابد. اشتون و همکاران (۱۹۸۹)، سیمنت و همکاران (۱۹۹۵)، احمد و کمروالدین (۲۰۰۳) و صادقی حسن

آبادی (۱۳۸۸) نیز از تأثیر مستقیم اظهار نظر تعدیل شده بر تأخیر گزارش حسابرسی خبر داده اند.

فرضیه ششم: نوع اظهار نظر حسابرس بر تأخیر گزارش حسابرسی موثر است. ساختار مالکیت: کارسلاو و کیلان (۱۹۹۱) دریافتند شرکت هایی که توسط مالکان کنترل می شوند و ۳۰ درصد یا بیشتر از سهام آنها در اختیار یک سهامدار (سهامدار عمده) است، در مقایسه با شرکت هایی که توسط مدیریت کنترل می شوند، گزارش های مالی را با فاصله زمانی بیشتری تا پایان سال مالی منتشر می کنند. سهامدار عمده قادر است در جهت دستیابی به اهدافش به طور مستقیم در انتشار گزارش های مالی دخالت نموده و موجب تأخیر در انتشار گزارش حسابرسی گردد. اما در شرکت هایی که مالکیت از مدیریت جداست، مدیریت برای آنکه هرچه سریعتر مسئولیت خود را انجام دهد و به نوعی تسویه حساب خود را با برگزاری مجمع و تصویب صورت های مالی اخذ نماید، تلاش می نماید تا گزارش های مالی زودتر و با تأخیر کمتری منتشر شود. همچنین بر اساس پژوهش هایی که توسط اوسو- انساه و لونتیس^{۴۳} (۲۰۰۶) و جگی و تسوی (۱۹۹۹) صورت گرفته است، ترکیب سهامداران با تاریخ صدور گزارش حسابرسی، رابطه دارد. العجمی (۲۰۰۸) نیز به این نتیجه رسید که هنگامی که تعداد سهامداران عمده بیشتر می شود، فاصله زمانی بین امضای گزارش حسابرسی و تاریخ انتشار صورت های مالی حسابرسی شده کوتاه تر می گردد.

فرضیه هفتم: ساختار مالکیت بر تأخیر گزارش حسابرسی موثر است.

تأخیر گزارش حسابرسی در سال پیش: پژوهش هایی که تا کنون به بررسی عوامل موثر بر تأخیر گزارش حسابرسی پرداخته اند، هیچ کدام ارتباط تأخیر گزارش حسابرسی در سال جاری با تأخیر گزارش حسابرسی در سال پیش را بررسی ننموده اند. شاید ریشه اصلی این تصور را بتوان به پژوهش مهدوی و جمالیان پور (۱۳۸۹) ارتباط داد. آنان در پژوهش خود یافتند که سرعت گزارشگری مالی سال جاری با سرعت گزارشگری مالی سال قبل، رابطه آماری معنادار و مستقیمی دارد. این موضوع را می توان چنین بیان کرد که شرکت ها تا حدی با همان سرعتی که در سال قبل اقدام به گزارشگری کرده اند، امسال نیز اقدام به گزارشگری می کنند. بنابراین، در این پژوهش نیز فرض می کنیم که تأخیر گزارش حسابرسی با تأخیر گزارش حسابرسی در سال قبل ارتباط معنادار دارد.

فرضیه هشتم: تأخیر گزارش حسابرسی در سال جاری با تأخیر گزارش حسابرسی در سال قبل ارتباط دارد.

۳- روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ طبقه بندی پژوهش بر مبنای هدف، از نوع کاربردی است. همچنین پژوهش حاضر از لحاظ طبقه بندی بر حسب روش، از نوع توصیفی است و از میان انواع پژوهش های توصیفی، از نوع همبستگی است. بنابراین از روش رگرسیون چند متغیره و آماره t برای آزمون فرضیه ها استفاده شده است. همچنین جهت اطمینان از قابل اتکا بودن نتایج، از آزمون های پیش فرض استفاده از رگرسیون، استفاده شده است.

۳-۲- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش تمام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و نمونه آماری به روش حذفی بر اساس شرایط زیر برگزیده شده است:

(۱) اطلاعات مالی شرکت برای دوره زمانی پژوهش موجود باشد.

(۲) در طی دوره پژوهش در بورس حضور داشته باشد.

(۳) سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

(۴) از شرکت های بیمه، سرمایه گذاری، بانک ها و لیزینگ نباشد.

پس از حذف شرکتهای فاقد معیارهای یادشده، از بین کل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۱۱۰ شرکت به عنوان جامعه غربال شده آماری این پژوهش باقی ماندند و داده های مربوط به ۵ سال (۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹) آن ها که شامل ۵۳۰ شرکت-سال می شود، از صورت های مالی حسابرسی شده، گزارش های حسابرسی، نرم افزار تدبیرپرداز و همچنین از سیستم نرم افزاری که توسط واحد «مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار» تهیه شده، استخراج شد.

۳-۳- متغیرها

متغیر وابسته: همانطور که پیشتر بیان شد، متغیر وابسته در این پژوهش، تأخیر گزارش حسابرسی است. مطابق پژوهش های پیشین (برای نمونه، کارسلاو و کیلان، ۱۹۹۱؛ جگی و تسوی، ۱۹۹۹؛ العجمی، ۲۰۰۸) تعداد روزهای بین تاریخ پایان سال مالی و تاریخ امضای گزارش حسابرسی، به عنوان تأخیر گزارش حسابرسی در نظر گرفته شده است.

متغیرهای مستقل:

FD = درماندگی مالی که بمنظور محاسبه آن، روش تعدیل شده آلتمن (۱۹۶۸) به کار رفته است. شیوه محاسبه اصلی آلتمن (۱۹۶۸) به شکل زیر بوده است:

$$Z = 3.3 (EBIT/TA) + 1 (Sales/TA) + 1.4 (Retained Earnings/TA) + 1.2 (Working Capital/TA) + 0.6 (Market Value of Equity/TL)$$

که در آن:

EBIT = سود پیش از کسر بهره و مالیات شرکت؛ Working Capital = سرمایه در گردش شرکت؛ Market Value of Equity = ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت؛ TL = ارزش دفتری کل بدهی های شرکت.

در این رابطه، مقدار Z بزرگتر، نشانگر سلامت مالی بیشتر (درماندگی مالی کمتر) شرکت است. در سال ۱۹۹۰، مک کی - ماسون، شیوه محاسبه اصلی آلتمن (۱۹۶۸) را از طریق حذف نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری کل بدهی های شرکت، تعدیل نمودند. بنابراین شیوه تعدیل شده محاسبه درماندگی مالی آلتمن به این شکل است:

$$Z = 3.3 (EBIT/TA) + 1 (Sales/TA) + 1.4 (Retained Earnings/TA) + 1.2 (Working Capital/TA)$$

AQ = کیفیت حسابرسی که در این پژوهش، از اندازه موسسه حسابرسی به عنوان معیاری برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی استفاده شده است. لذا، در این پژوهش، سازمان حسابرسی، به عنوان حسابرس بزرگ و سایر موسسات حسابرسی، به عنوان حسابرس کوچک در نظر گرفته می شوند و با توجه به معیار اندازه موسسه حسابرسی، اینطور فرض شد که سازمان حسابرسی، از کیفیت بالاتری نسبت به سایر موسسات حسابرسی برخوردار است (ثقفی و معتمدی فاضل، ۱۳۹۰). بنابراین، اگر موسسه حسابرس، سازمان حسابرسی باشد برابر یک در نظر گرفته می شود و در سایر موارد برابر است با صفر.

GBN = خبرهای خوب و بد که در پژوهش های پیشین از معیارهای گوناگونی برای خبرهای خوب و بد استفاده شده است. گیولی و پالمون (۱۹۸۲) و هاو (۲۰۰۰) از تغییر در سودآوری استفاده نمودند. کورتیس (۱۹۷۶)، اوسو - انساو (۲۰۰۰) از سطح سودآوری به جای تغییر در سودآوری استفاده نمودند. اسماعیل و چاندلر^{۴۴} (۲۰۰۴) از رشد فروش به عنوان معیار خبر خوب و بد استفاده نمودند. در این پژوهش نیز با توجه به متغیرهای استفاده شده در پژوهش های پیشین و همچنین معیار مورد استفاده اشتون و همکاران (۱۹۸۹) و القانم و هگازی (۲۰۱۱)، از تغییرات سود هر سهم به عنوان معیار خبرهای خوب و بد استفاده شده است که شیوه محاسبه آن عبارتست از درصد تغییرات سود هر سهم در سال جاری نسبت به سود هر سهم در سال پیش.

Lev = اهرم مالی که در این پژوهش عبارتست از نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها.

Size = اندازه شرکت که در این پژوهش برای محاسبه آن از لگاریتم مجموع داراییها استفاده شده است.

AO = متغیر ساختگی نوع اظهار نظر حسابرسی که اگر تعدیل شده باشد برابر است با یک و در غیر اینصورت صفر در نظر گرفته می شود.

OS = ساختار مالکیت که برابر است با درصد سهام تحت تملک سهامداران عمده. بنابراین معادله رگرسیونی مورد آزمون، به اینصورت قابل بیان است:

$$\text{Audit Delay}_t = \alpha + \beta_1 \text{FD}_t + \beta_2 \text{AQ}_t + \beta_3 \text{GBN}_t + \beta_4 \text{Lev}_t + \beta_5 \text{Size}_t + \beta_6 \text{AO}_t + \beta_7 \text{OS}_t + \beta_8 \text{Audit Delay}_{t-1}$$

۴- یافته های پژوهش

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در نگاره شماره یک ارائه شده است. میانگین تأخیر انتشار گزارش حسابرسی (تعداد روز های بین پایان سال مالی و تاریخ امضای گزارش حسابرسی) در نمونه مورد بررسی برابر ۷۸/۹۱ روز است که این رقم در مقایسه با کشورهای چون اسپانیا، یونان، هونگ کونگ و کویت، مقدار مطلوبی است. همچنین بیشترین و کمترین تأخیر گزارش حسابرسی به ترتیب ۱۲۱ و ۱۵ روز بوده است که این مقدار نیز مطلوب است. نگاره (۱). آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار
Audit Delay _t	۵۳۰	۷۸/۷۶	۷۹/۵	۲۴/۲۶
FD	۵۳۰	۱/۴۳	۱/۴۴	۱/۱۹
AQ	۵۳۰	۰/۳	۰	۰/۴۶
GBN	۵۳۰	-۰/۵۹	۰/۰۴	۱/۳۵
			-	
Lev	۵۳۰	۰/۶۵	۰/۶۴	۰/۲۶
Size	۵۳۰	۵/۷۵	۵/۷۱	۰/۲۶
AO	۵۳۰	۰/۵۶	۱	۰/۵
OS	۵۳۰	۰/۷۱	۰/۷۶	۰/۲۲

همانطور که در نگاره دو نشان داده شده است، اندازه شرکت، اظهار نظر حسابرسی، ساختار مالکیت و تأخیر گزارش حسابرسی در سال قبل با تأخیر گزارش حسابرسی در سال جاری همبستگی مثبت دارند و با درماندگی مالی همبستگی منفی دارد.

برای مشخص شدن معنادار بودن رگرسیون، از آزمون معنادار بودن رگرسیون استفاده می شود. آماره این آزمون، آماره فیشر است. آزمون بعدی که مورد استفاده قرار می گیرد، آزمون هم خطی است. اگر هم خطی در یک معادله رگرسیون بالا باشد بدین معنی است که بین متغیرهای مستقل همبستگی بالایی وجود دارد و ممکن است با وجود بالا بودن R²، مدل دارای اعتبار

بالایی نباشد. نتایج این آزمون دارای چهار خروجی است. در دو خروجی نخست تولرانس^{۴۵} و عامل تورم واریانس^{۴۶} ارائه می شود. هر چقدر تولرانس کمتر باشد (تزدیک به صفر)، اطلاعات مربوط به متغیرها کم بوده و مشکلاتی در استفاده از رگرسیون ایجاد می شود. عامل تورم واریانس نیز معکوس تولرانس بوده و هرچقدر افزایش یابد، باعث می شود واریانس ضرایب رگرسیون افزایش یابد. دو خروجی دیگر مقدار ویژه^{۴۷} و شاخص وضعیت^{۴۸} را نشان می دهد. مقادیر ویژه نزدیک به صفر نشان می دهد که همبستگی داخلی پیش بینی ها زیاد است و تغییرات اندک در مقادیر داده ها موجب تغییرات بزرگ در برآورد ضرایب معادله رگرسیون می گردد. عامل تورم واریانس مطلوب باید کمتر از ده باشد که این مقدار در پژوهش حاضر مطلوب بوده است. همچنین اگر مقدار شاخص وضعیت بیشتر از ۱۵ باشد، نشان دهنده احتمال هم خطی بین متغیرهای مستقل است و مقدار بیشتر از ۳۰، بیانگر مشکلی جدی در استفاده از رگرسیون در وضعیت موجود است. در معادله رگرسیونی پژوهش حاضر، شاخص وضعیت متغیرهای مستقل تأثیرگذار همواره کوچکتر از ۳۰ است که این امر نشاندهنده نبود مشکل جدی در استفاده از رگرسیون است. لازم به ذکر است که در مجموع، حاصل چهار شاخص مذکور، برای متغیرهای مستقل تأثیرگذار در پژوهش حاضر، مطلوب بوده است و مشکل خاصی در استفاده از رگرسیون وجود نداشته است. یکی از مفروضات دیگر استفاده از رگرسیون، استقلال خطاها (تفاوت میان مقادیر واقعی و پیش بینی شده توسط رگرسیون) است. برای سنجش این امر از آزمون دوربین-واتسون استفاده شده است.

نگاره (۲) ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

Audit Delayt-1	OS	AO	Size	Lev	GBN	AQ	FD	Audit Delayt
								۱
							۱	* -۰/۱۱۷
						۱	۰/۰۷۱	-۰/۰۰۹
					۱	-۰/۳۲	۰/۰۱۹	-۰/۰۲
				۱	۰/۰۰۰	* ۰/۱۰۱	۰/۰۴۵	-۱۰/۰۲
			۱	* ۰/۰۹	۰/۰۰۵	** ۰/۱۸۴	-۰/۰۳۶	** ۰/۱۶۹
		۱	** ۰/۱۱۸	۰/۰۸۷	۰/۰۷۲	** ۰/۱۵۲	** -۰/۲۶	** ۰/۲۵۵
	۱	-۰/۱۸۷	** ۰/۱۳۵	۰/۰۳۷	۰/۰۲۵	** ۰/۱۷۹	-۰/۰۰۲	** -۰/۳۵۲
۱	۰/۳۵۳	* ۰/۲۰۴	** ۰/۲۲۹	۰/۰۲۱	۰/۰۴۸	-۰/۰۴۷	* -۰/۱۲۵	** ۰/۷۹۸
								Audit Delayt-1

** = معنادار در سطح ۰/۰۱
* = معنادار در سطح ۰/۰۵

نتایج آزمون فرضیه های پژوهش در نگاره شماره سه ارائه شده است. ضمناً مقدار عامل تورم واریانس نیز در ستون سمت چپ ارائه شده است.

نگاره (۳) آزمون فرضیه‌های پژوهش

VIF	معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	
	۰/۰۵۳	۱/۹۴۴	۸/۰۷۲	۱۵/۶۸۸	Constant
۱/۱۱۸	۰/۷۸۲	۰/۲۷۷	۰/۷۶	۰/۲۱	FD
۱/۱۰۴	۰/۰۳۷	۲/۰۹۳	۱/۷۳۵	۳/۶۳۱	AQ
۱/۰۱۳	۰/۱۲۷	-۱/۵۳	۰/۰۲۱	-۰/۰۳۲	GBN
۱/۰۴۱	۰/۳۵۸	۰/۹۲	۰/۰۴۳	-۰/۰۰۴	Lev
۱/۲۰۴	۰/۵۵۳	۰/۵۹۴	۱/۴۱۸	۰/۸۴۲	Size
۱/۲۲۴	۰/۱۱۱	۱/۶	۱/۶۹۶	۲/۷۱۳	AO
۱/۲۹۱	۰/۰۱۵	-۲/۴۳۸	۰/۰۰۴	-۰/۰۹۶	OS
۱/۳۱	۰/۰۰۰	۲۱/۸۳۲	۰/۰۳۶	۰/۷۸۳	Audit Delay _{t-1}
	R^2 =	R^2 =	دوربین واتسون =	معناداری F =	آماره F =
	۰/۶۸۵	۰/۶۹۳	۲/۳۴۸	۰/۰۰۰	۸۷/۲۶۶

با توجه به نگاره (۳)، ساختار مالکیت با تأخیر گزارش حسابرسی ارتباطی معکوس دارد به این معنا که هرچه درصد سهام تحت تملک سهامداران عمده بیشتر باشد، تأخیر گزارش حسابرسی کمتر خواهد بود. همچنین کیفیت حسابرسی و تأخیر گزارش حسابرسی در سال پیش، ارتباطی مثبت با تأخیر گزارش حسابرسی در سال جاری دارند. به این ترتیب از میان فرضیات پژوهش تنها فرضیات دو، هفت و هشت به اثبات می‌رسند و سایر فرضیات پذیرفته نمی‌شوند.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بهنگام بودن یکی از ویژگی‌های مربوط بودن اطلاعات است و به این معناست که اطلاعات مالی زمانی در اختیار استفاده‌کنندگان قرار گیرند که فرصت تصمیم‌گیری، قضاوت و اقدام بهنگام نسبت به موضوع مورد نظر برای آنان وجود داشته باشد. به عقیده بسیاری از پژوهشگران شرکت‌هایی که وضعیت مالی ضعیف‌تری دارند، حسابرسان را در معرض خطر حسابرسی بیشتری قرار می‌دهند و بنابراین، تأخیر گزارش حسابرسی افزایش می‌یابد. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی تأثیر درماندگی مالی بر تأخیر گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است اما در این پژوهش ارتباطی میان درماندگی مالی شرکت‌ها و تأخیر گزارش حسابرسی آنها یافت نشد که این موضوع در تضاد با بسیاری از استدلال‌ها و پژوهش‌های پیشین است (برای نمونه، کراس، ۱۹۸۲؛ ویترو و زیمر، ۱۹۸۴؛ جگی و تسوی، ۱۹۹۹). در ضمن این نتیجه تا حدودی زنگ هشدار را نیز برای حسابرسان ایرانی به صدا در می‌آورد. در حالی که باید برای شرکت‌های درمانده مالی

زمان بیشتری اختصاص داده شود و یا به بیانی دیگر، متناسب با وضعیت مالی شرکت ها، برای حسابداری آنها زمان تخصیص داد، نتایج پژوهش بیانگر عدم وجود ارتباط معنادار بین وضعیت مالی شرکت ها و تأخیر گزارش حسابداری بوده است. در ادامه، ابتدا ارتباطات یافت شده مورد توجه قرار می گیرند و سپس سایر نتایج بررسی می شوند.

از میان متغیرهای پژوهش، تنها سه متغیر مورد بررسی، بر تأخیر گزارش حسابداری موثر بوده اند. نخستین موضوعی که به اثبات رسید این بود که کیفیت حسابداری موجب افزایش تأخیر گزارش حسابداری می گردد. در این پژوهش، از سازمان حسابداری به عنوان موسسه با کیفیت یاد شده است، در این ارتباط اشاره به این موارد ضروری است: بسیاری از پژوهش های پیشین، نشان داده اند، که کیفیت حسابداری با اندازه موسسات حسابداری ارتباط دارد و از طرفی، بسیاری از پژوهشگران از کوتاه تر بودن زمان حسابداری موسسات حسابداری بزرگ خبر دادند (برای نمونه، جیلینگ، ۱۹۷۷؛ اشتون و همکاران، ۱۹۸۹)، اما در پژوهش حاضر عکس این ارتباط حاصل شد. تنها پژوهشی که تا حدودی با این نتیجه گیری مرتبط است پژوهش ایمام و همکاران (۲۰۰۱) است. آنان به بررسی ۱۱۵ شرکت بورس اوراق بهادار بنگلادش در سال ۱۹۹۸ پرداختند. آنان ارتباط بین تأخیر حسابداری و موسسات حسابداری مرتبط با موسسات حسابداری بین المللی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که موسسات حسابداری مرتبط با موسسات حسابداری بین المللی تأخیر حسابداری بیشتری دارند. شاید مهمترین علت نتیجه مذکور این باشد که در پژوهش های گذشته خارجی، از موسسات حسابداری بین المللی چهار بزرگ، به عنوان موسسات حسابداری با کیفیت استفاده شده است، اما در این پژوهش، با توجه به موسسات حسابداری فعال در کشور ایران، از سازمان حسابداری به عنوان متولی امر حسابداری و بزرگترین موسسه حسابداری استفاده شده است. این در حالی است که سازمان حسابداری از جوانب بسیاری (نیروی متخصص، بزرگی و داشتن اعتبار بین المللی، دولتی بودن و...) با موسسات حسابداری چهار بزرگ، تفاوت فاحش دارد. شاید بتوان این طور نیز تلقی نمود که سازمان حسابداری، حسابداری شرکت های بزرگ را برعهده داشته و به دلیل عدم وجود تفاوت مهم در توانایی های آن نسبت به سایر موسسات حسابداری، حسابداری های این موسسه، مدت زمان بیشتری به طول می انجامد.

دیگر یافته مهم این پژوهش این بود که ساختار مالکیت بر تأخیر گزارش حسابداری موثر است و در واقع هرچه درصد سهام تحت تملک سهامداران عمده بیشتر باشد، تأخیر گزارش حسابداری کاسته می شود. شاید بتوان این موضوع را اینطور توجیه نمود که اگر مالکیت به صورت پراکنده تصاحب شود، به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و صاحبان سهام پراکنده، هزینه نمایندگی ایجاد خواهد شد (جنسن و مکلینگ^{۴۹}، ۱۹۷۶) و حسابرسان تلاش

می کنند که با تصدیق قابلیت اتکای اطلاعات مالی منتشره، خطر عدم تقارن اطلاعاتی را برای سرمایه گذاران کنونی و آتی، کاهش دهند (چاو^۵، ۱۹۸۲) و بنابراین، شرکت هایی که دارای مالکیت پراکنده هستند، ممکن است بمنظور اطمینان دهی از اعتبار گزارش های سالانه به سهامداران، ملزم به پرداخت هزینه های حسابرسی گسترده تر و همه جانبه باشند (العجمی، ۲۰۰۸) و به این ترتیب، کار بیشتر حسابرسی، تأخیر بیشتر گزارش حسابرسی را نیز به همراه خواهد داشت.

آخرین ارتباطی که در این پژوهش استنباط شد عبارتست از تأثیر چشمگیر تأخیر گزارش حسابرسی در سال قبل بر تأخیر گزارش حسابرسی در سال جاری. این موضوع را می توان چنین بیان کرد که شرکت ها تا حدی با همان سرعتی که در سال قبل اقدام به گزارشگری کرده اند، امسال نیز اقدام به گزارشگری می کنند. بنابراین، نقش حسابرسان تا حدود زیادی در این تأخیر گزارشگری کم می شود و با این استنباط، معمولاً شرکت ها مدت زمان مشخصی را برای گزارش حسابرسی و متعاقباً گزارشگری مالی منظور می کنند و حسابرسان نقش بسزایی در این بین نداشته اند. این نتیجه پژوهش تا حدود زیادی مترادف با نتیجه پژوهش مهدوی و جمالیان پور (۱۳۸۹) است.

در این پژوهش ارتباطی بین خبرهای خوب و بد و تأخیر گزارش حسابرسی استنتاج نشد که این موضوع در تضاد با بسیاری از پژوهش های پیشین (کورتیس، ۱۹۷۶؛ گیولی و پالمون، ۱۹۸۲؛ کارسلاو و کیلان، ۱۹۹۱؛ نجی و تای، ۱۹۹۴؛ سیمنت و همکاران، ۱۹۹۵؛ العجمی، ۲۰۰۸) می باشد. با توجه به قراردادهای پاداش مدیران در ایران، غالباً عملکرد مدیریت بر اساس قیمت سهام شرکت بررسی نمی شود و شاید مهمترین معیار سنجش عملکرد مدیریت، سود سالانه شرکت باشد. چنین امری می تواند باعث گردد که مدیریت توجه لازم را به قیمت سهام نداشته و لذا تلاشی برای تعدیل قیمت سهام انجام ندهد. همچنین بر خلاف بسیاری از پژوهش های پیشین (کارسلاو و کیلان، ۱۹۹۱؛ اوسو-انساه، ۲۰۰۰؛ کاناور و همکاران، ۲۰۰۸؛ العجمی، ۲۰۰۸) که ارتباطی مستقیم بین اهرم مالی و تأخیر حسابرسی یافته بودند، در نهایت این ارتباط به اثبات نرسید. این موضوع می تواند نشانگر عدم توجه حسابرسان به اهمیت بدهی های واحدهای مورد رسیدگی باشد.

از دیگر نتایج این پژوهش، عدم ارتباط اندازه واحد مورد رسیدگی و تأخیر گزارش حسابرسی است که با بسیاری از پژوهش های پیشین (گارسومبک، ۱۹۸۱؛ اشتون و همکاران، ۱۹۸۷؛ اشتون و همکاران، ۱۹۸۹؛ کارسلاو و کیلان، ۱۹۹۱؛ نجی و تای، ۱۹۹۴؛ جگی و تسوی، ۱۹۹۹؛ العجمی، ۲۰۰۸) ناسازگار است. این نتیجه می تواند به علت حضور مستمر تیم های حسابرسی در اینگونه شرکت ها باشد. از طرفی دیگر واحدهای تجاری مورد بررسی در این پژوهش، در مقایسه با واحدهای مشابه خارجی مورد توجه در پژوهش های خارجی، از

نظر حجم فعالیت و کنترل های داخلی، به مراتب متمایزند. آخرین نتیجه پژوهش حاضر نیز عدم ارتباط تأخیر گزارش حسابرسی و نوع اظهار نظر حسابرسی مستقل است که این نتیجه نیز متضاد با بسیاری از پژوهش های پیشین چون اشتون و همکاران (۱۹۸۹)، سیمنت و همکاران (۱۹۹۵)، احمد و کمروالدین (۲۰۰۳) و صادقی حسن آبادی (۱۳۸۸) می باشد. بنابراین، شاید به علت عدم حساسیت مدیران به نوع اظهار نظر حسابرسی، تفاوت معناداری در زمان انتشار اظهار نظرهای های حسابرسی تعدیل شده و تعدیل نشده، در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود ندارد.

بنا بر نتایج پژوهش حاضر، تفاوتی در زمان حسابرسی شرکت های بزرگ و کوچک وجود نداشته است. این در حالی است که انتظار می رفت، شرکت های بزرگ سیستم های کنترل داخلی قوی داشته و از کارمندان باتجربه تر و حرفه ای تری برخوردار باشند که در نتیجه حسابرسان بیشتر بتوانند بر کارهای آنان اعتماد نمایند و متعاقباً زمان حسابرسی آنان کاهش یابد و یا بمنظور جذب و حفظ سرمایه گذاران با سرعتی بیشتر صورتهای مالی خود را انتشار دهند. اما با توجه به نتیجه این پژوهش، این امر در شرکت های ایرانی صادق نبوده و به این شرکت ها توصیه می شود نسبت به تقویت کنترلهای داخلی و امور اداری خود اقدام نمایند و با توجه به بزرگی سازمان خود، صورت های مالی خود را زودتر منتشر نمایند تا به اعتماد و تصمیم گیری سرمایه گذاران کمک شود.

همچنین به کلیه موسسات حسابرسی فعال در داخل کشور پیشنهاد می شود که توجه بیشتری به وضعیت مالی شرکت ها بنمایند و برای شرکت هایی که وضعیت مساعدی ندارند، وقت بیشتری صرف نمایند زیرا ریسک حسابرسی این شرکت ها نیز بیشتر است از آنجا که در پژوهش حاضر، تمام شرکت ها یکجا مورد بررسی قرار گرفتند، به پژوهش گران علاقه مند پیشنهاد می شود تا این موضوع را بر حسب صنعت نیز بررسی نمایند. ضمناً در این پژوهش از مدل آلتمن برای شناخت وضعیت مالی شرکت ها استفاده شد، بنابر این، پیشنهاد می شود تا در مطالعات آتی، از معیارهای دیگری چون ماده ۱۴۱ قانون تجارت یا مدل زمیجوسکی^{۵۱} (۱۹۸۴) استفاده شود و نتایج مقایسه گردد.

یکی از عمده ترین محدودیت های پژوهش هایی که در ایران به بررسی کیفیت حسابرسی می پردازند، اینست که از سازمان حسابرسی به عنوان موسسه بزرگ و با کیفیت استفاده می شود در حالی که در پژوهش های خارجی از موسسات بزرگ حسابرسی دنیا برای این امر استفاده می شود که این موضوع در پژوهش حاضر نیز صادق است. در نتیجه، به دلیل تمایزات اساسی این دو مجموعه (سازمان حسابرسی و موسسات بزرگ حسابرسی دنیا)، نتایج همراه با محدودیت هایی است.

یادداشت‌ها

1. Givoly and Palmon
2. Kross and Schroeder
3. Leventis
4. Bonson-Ponte
5. Ng and Tai
6. Al-Ghanem and Hegazy
7. Wu
8. Simnett
9. Gordon
10. Whitaker
11. Beaver
12. Altman
13. Katz
14. Hofer
15. Ivashina
16. MacKie-Mason
17. Graham
18. Güner
19. Lurie and Pastena
20. Internal reporting hypothesis
21. Courtis
22. Gilling
23. Davis and Whittred
24. Garsombke
25. Kross
26. Ashton
27. Cushing
28. Carlsaw and Kaplan
29. Hossain and Taylor
30. Jaggi and Tsui
31. Imam
32. Ahmad and Kamarudin
33. Al-Ajmi
34. Habib and Bhuiyan
35. Whittred and Zimmer
36. Peterson
37. Vivek and Myungsoo
38. Henock
39. Watts and Zimmerman
40. Haw
41. Owusu-Ansah
42. Conover
43. Owusu-Ansah and Leventis
44. Ismail and Chandler
45. Tolerance
46. VIF
47. Eigen Value
48. Condition Index
49. Jensen and Meckling
50. Chow
51. zmijewski

کتابنامه

- ۱- بدری، احمد و علیخانی، حسین. (۱۳۸۵). عوامل موثر بر تأخیر انتشار گزارش حسابرسی با تجزیه فرآیند به CCT و FCT. فصلنامه چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، ش ۲۲، صص ۱۱۸-۸۳.
- ۲- برزیده، فرخ و معیری، مرتضی. (۱۳۸۵). عوامل موثر بر به موقع بودن گزارش حسابرسی، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ش ۱۶، صص ۶۹-۴۳.
- ۳- تقفی، علی و معتمدی فاضل، مجید. (۱۳۹۰). رابطه میان کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه گذاری در شرکت‌های با امکان سرمایه گذاری بالا، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ش ۴، صص ۱-۱۴.
- ۴- صادقی حسن آبادی، حسن. (۱۳۸۸). عوامل تأثیر گذار بر زمان صدور گزارش حسابرسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر حساس یگانه، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۵- مهدوی، غلامحسین و جمالیان پور، مظفر. (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر سرعت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ش ۴ (۶)، صص ۱۰۸-۸۹.

- 6- Ahmad, R., & Kamarudin, K. (2003). Audit delay and the timeliness of corporate reporting: Malaysian evidence, *In: Communication Hawaii International Conference on Business, Hawaii, USA 18-21 June 2003*.
- 7- Al-Ajmi, J. (2008). Audit and reporting delays: Evidence from an emerging market, *Advances in Accounting*, Vol 24, No.2, pp. 217-226.
- 8- Al-Ghanem W., & Hegazy, M. (2011). An empirical analysis of audit delays and timeliness of corporate financial reporting in Kuwait, *Eurasian Business Review*, Vol 1, pp. 73-90.
- 9- Altman, E.I. (1968). Financial ratios, discriminant analysis and the prediction of corporate bankruptcy, *Journal of Finance*, Vol 23, No.4, pp. 589-609.
- 10- Ashton, R.H., Graul, P.R., & Newton, J.D. (1989). Audit delay and the timeliness of corporate reporting, *Contemporary Accounting Research*, Vol 5, No.2, pp.657-673.
- 11- Ashton, R.H., Willingham, J.J., & Elliott, R.K. (1987). An empirical analysis of audit delay, *Journal of Accounting Research*, Vol 25, No.2, pp. 275-292.
- 12- Beaver, W.G. (1966). Financial ratios as predictors of failure, *Journal of Accounting Research*, Vol 4, No.1, pp. 71-111.
- 13- Bonson-Ponte, E., Escobar-Rodriguez, T., & Borrero-Dominguez, C. (2008). Empirical analysis of delays in the signing of audit reports in Spain, *International Journal of Auditing*, Vol 12, No.2, pp. 129-140.
- 14- Carslaw, A.P.N., & Kaplan, S.E. (1991). An examination of audit delay: Further evidence from New Zealand, *Accounting and Business Research*, Vol 22, No.85, pp. 21-32.
- 15- Chow, C. (1982). The demand for external auditing: Size, debt, and ownership influences. *Accounting Review*, 57, 272-291.
- 16- Conover, C.M., Miller, R.E., & Szakmary, A. (2008). The timeliness of accounting disclosures in international security markets, *International Review of Financial Analysis*, Vol 17, No.5, pp. 849-869.
- 17- Courtis, J.K. (1976). Relationships between timeliness in corporate reporting and corporate attributes, *Accounting and Business Research*, Vol , No.25, pp. 45-56.
- 18- Cushing, B. E. (1989). Discussion of the Association between Audit Technology and Audit Delay, *Journal of Practice & Theory*, Vol 8, pp. 38-47.
- 19- Davis, B., & Whittred, G.P. (1980). "The association between selected corporate attributes and timeliness in corporate reporting: Further analysis", *Abacus Journal*, Vol 16, No.1, pp. 48-60.
- 20- Garsombke, H. P. (1981). The timeliness of corporate financial disclosure. *In J.K. Courtis, ed., Communication via Annual Reports, AFM Exploratory Series No.11 Armidale, N.S.W: University of New England:pp. 204-218*.
- 21- Gilling, D.M. (1977). The timeliness in corporate reporting: some further comment, *Accounting and Business Research*, winter, 34-36.

- 22- Givoly, D., & Palmon, D. (1982). Timeliness of annual earnings announcements: Some empirical evidence. *Accounting Review*, Vol 57, pp. 486–508.
- 23- Gordon, M.J. (1971). Towards a theory of financial distress, *The Journal of Finance*, Vol 26, pp. 347-356.
- 24- Graham, J.R., Lemmon, M.L., & Schallheim, J.S. (1998). Debt, lease, taxes, and the endogeneity of corporate tax status, *Journal of Finance*, Vol 53, No.1, pp. 131–162.
- 25- Güner, A.B., Malmendier, U., & Tate, G. (2008). Financial expertise of directors, *Journal of Financial Economics*, Vol 88, No.2, pp. 323–354.
- 26- Habib, A., & Bhuiyan, M. B. (2011). Audit firm industry specialization and the audit report lag, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Vol 20, pp. 32–44.
- 27- Haw, I. (2000). Timeliness of annual report releases and market reaction to earnings announcements in an emerging capital market: The case of China, *Journal of International Financial Management and Accounting*, Vol 11, pp. 108–131.
- 28- Henock, L. (2005). Acquirers' abnormal returns and the non-Big 4 auditor clientele effect, *Journal of accounting and economics*, Vol 40, pp.75-99.
- 29- Hofer, C., Dresner, M., & Windle, R. (2005). Financial distress and US airline fares, *Journal of Transport Economics and Policy*, Vol 39, No.3, pp.323–340.
- 30- Hossain, M.A., & Taylor, P.J. (1998). An examination of audit delay: Evidence from Pakistan, [online] Available at: <<http://www.mahossain.com/pdf/audpf.pdf>> [Accessed 11 September 2010].
- 31- Imam, S., Ahmed, Z.U., & Khan, S.H. (2001). Association of audit delay and audit firms' international links: Evidence from Bangladesh, *Managerial Auditing Journal*, Vol 16, No.3, pp. 129–134.
- 32- Ismail, K. N., & Chandler, R. (2004). The timeliness of quarterly financial reports of companies in Malaysia, *Asian Review of Accounting*, Vol 12, pp. 1–18.
- 33- Ivashina, V., Nair, V.B., Saunders, A., Massoud, N., & Stover, R. (2008). Bank debt and corporate governance, *Review of Financial Studies*, Vol 22, No.1, pp. 41–77.
- 34- Jaggi, B. & Tsui, J. (1999). Determinants of audit lag: Further evidence from Hong Kong, *Accounting and Business Research*, Vol 30, No.1, pp. 17- 28.
- 35- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure, *Journal of Financial Economics*, (October), pp. 305-360.
- 36- Katz, S., Lilien, S., & Nelson, B. (1985). Stock market behavior around bankruptcy model distress and recovery predictions, *Financial Analysts Journal*, Vol 41, No.1, pp. 70–74.
- 37- Kross, W. (1982). Profitability, earnings announcement time lags, and stock prices, *Journal of Business Finance and Accounting*, Vol 9, pp.313–328.

- 38- Kross, W. & Schroeder, D.A. (1984). An empirical investigation of the effect of quarterly earnings announcement timing on stock returns, *Journal of Accounting Research*, Vol 22, No.1, pp.153-176.
- 39- Leventis, S., Weetman, P., Caramanis, C. (2005). Determinants of audit report lag: Some evidence from the Athens Stock Exchange, *International Journal of Auditing*, Vol 9, No.1, pp. 45-58.
- 40- Lurie, A. J., & Pastena, V. S. (1975). How promptly do corporations disclose their problems?, *Financial Analysts Journal*, Vol 31, pp.55-61.
- 41- MacKie-Mason, J.K. (1990). "Do taxes affect corporate financing decisions?", *Journal of Finance*, Vol 45, No.5, pp. 1471-1491.
- 42- Ng, P.P.H. & Tai, B.Y.K. (1994). An empirical examination of the determinants of audit delay in Hong Kong, *British Accounting Review*, Vol 26, No.1, pp. 43-59.
- 43- Owusu-Ansah, S. (2000). Timeliness of corporate financial reporting in emerging capital markets: Empirical evidence from the Zimbabwe Stock Exchange, *Accounting and Business Research*, Vol 30, No.3, pp. 241-254.
- 44- Owusu-Ansah, S., & Leventis, S. (2006). Timeliness of corporate annual financial reporting in Greece, *European Accounting Review*, Vol 15, pp. 273-287.
- 45- Peterson, M.A. (1994). Cash flow variability and firm's pension choice: a role for operating leverage, *Journal of Financial Economics*, Vol 36, pp.361-383.
- 46- Simnett, R. Aitken, M. & Choo, F. (1995). The determinants of audit delay, *Advances in Accounting*, Vol 13, pp. 1-20.
- 47- Vivek, M., Myungsoo, S. (2011). Do audit delays affect client retention?, *Managerial Auditing Journal*, Vol 26, No.1, pp.32 - 50.
- 48- Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (1990). Positive accounting theory: A ten year perspective, *Accounting Review*, Vol 65, pp. 131-156.
- 49- Whitaker, Richard (1999). The Early Stage of Financial Distress, *Journal of Economics and Finance*, Vol 23, No.2, pp. 123-133.
- 50- Whittred, G., and Zimmer, I. (1984). Timeliness of financial reporting and financial distress, *The Accounting Review*, Vol 55 (July), pp. 287-295.
- 51- Wu, D., Liang, L., & Yang, Z. (2008). Analyzing the financial distress of Chinese public companies using probabilistic neural networks and multivariate discriminate analysis., *Socio-Economic Planning Sciences*, Vol 42, No.3, pp. 206-220.
- 52- Zmijewski, M. E. (1984). Methodological issues related to the estimation of financial distress prediction models, *Journal of Accounting Research*, Vol. 22 (supplement), pp. 59-82.